

بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهرستان سلسله)

اسماعیل حسنونند^۱

احسان حسنونند^۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۲۹

تاریخ وصول: ۹۱/۱/۲۱

چکیده

امنیت مجموعه شرایط و وضعیتی است که موجب ثبات و آرامش خاطر در جامعه می‌گردد و ترس و خوف از نظر عامه مردم رخت بر می‌بندد و شرایط رسیدگی به امور زندگی با کیفیت بهتری را ایجاد می‌کند. احساس امنیت، پدیده‌ای روان‌شناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد و جنبه ذهنی امنیت را مد نظر دارد. در این تحقیق به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان شهرستان سلسله هستیم. تحقیق حاضر از نوع پیمایشی بوده و جامعه آماری آن را کلیه افراد جوان دارای ۱۸ تا ۳۰ سال سن تشکیل می‌دهند. حجم نمونه آماری ۳۸۰ نفر بوده که با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده بودند، یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت مالی کمی بیش از حد متوسط است و احساس امنیت جانی پایین‌تر از حد متوسط است. انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره معنادار بودن همبستگی اجتماعی، نگرش به پلیس و جنسیت را تأیید کرده است.

واژگان کلیدی: احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی، همبستگی اجتماعی، نگرش

به پلیس.



مقدمه

در سال‌های اخیر، بحث و مشاجره بر سر معنای امنیت و اهمیت امنیت تبدیل به یکی از مباحث و مشغولیت‌های اصلی نظریه‌های جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی شده است (بنیامین و لودر و تامالا)^۱. علی‌رغم علائق دانشگاهی بسیار در مورد امنیت، آن هنوز مفهومی در حال توسعه و مورد تحقیق و بررسی است (زدنر^۲، ۲۰۰۹، والدرون^۳، ۲۰۰۷؛ لودر و واکر^۴، ۲۰۰۹). بنابراین این موضوع یکی از مفاهیم با اهمیت، پیچیده در دنیای امروز است.

به طور کلی دو رهیافت عمده در مورد امنیت وجود دارد. رهیافت نظری که بیشتر به ارزش‌های عینی بها می‌دهد، به رهیافت دولت محور و قدرت محور^۵ مشهور است. مطابق این رویکرد، «امنیت» را می‌توان چنین تصور و تحدید نمود: وضعیتی که توسط قدرت برای صیانت مردم در قبال تهدیدهای بیرونی، تأسیس می‌گردد. مسئولیت برقراری چنین امنیتی به طور کلی به عهده دولت است. وقتی برقراری امنیت در سطح بین‌المللی و حفظ مرزهای کشور باشد، امنیت ملی مطرح است و اگر امنیت در درون جامعه مطرح باشد منظور امنیت اجتماعی است. این رهیافت به طور قاطعی امنیت ملی را از امنیت اجتماعی متمایز می‌کند. این رهیافت از لحاظ معرفت‌شناختی، رئالیستی و جامعه‌شناسی (پوزیتیویستی) است و انسان را به طور عینی و مشخصی تعریف می‌کند. مثلاً چون انسان‌ها ذاتاً شرور هستند این شرارت ذاتی باعث ناامنی و بی‌نظمی می‌شوند و فقط از طریق قدرت و دولت می‌توان امنیت را برقرار کرد رهیافت نظری دوم که بیشتر به ارزش‌های ذهنی و گروهی بها می‌دهد، به رهیافت جامعه محور و هویت محور مشهور است. این رهیافت معتقد است تهدیدها بیشتر علیه ارزش‌ها و هویت‌های گروه‌های اجتماعی است در نتیجه امنیت اجتماعی زمانی به دست می‌آید که گروه‌ها و خرده فرهنگ‌ها بتوانند به راحتی ابراز وجود کرده و ایده‌ها، خواسته‌ها و ارزش‌های خود را مطرح کنند. پس مهم‌ترین منبع تحقق

1. Benjamin Goold, Ian Loader and Angelica Thumala

2. Zedner

3. Waldron

4. Loader, Ian and Neil Walker

5. Power – centered



امنیت اجتماعی خود جامعه و گروه‌های گوناگون موجود در آن است. این رویکرد امنیت اجتماعی یک گروه خاص در درون یک جامعه (مانند زنان) را با امنیت جهانی پیوند می‌زند و این امر بیانگر آن است که امنیت اجتماعی فراتر از تعهد دولت می‌باشد. این رهیافت از لحاظ معرفت‌شناختی پسا پوزیتیویستی است و انسان به طور عینی و مشخصی تعریف نمی‌شود بلکه به طور فرهنگی و از طریق بافت گروهی تعریف می‌شود (افشار، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

بیان مسئله

از نظر صدیق سروستانی امنیت دارای دو عنصر تهدید و فرصت است و برقراری امنیت منوط به رهایی نسبی از تهدیدها و بهره‌گیری مناسب از فرصت‌هاست (صدیق سروستانی، ۱۳۷۵). از نگاه جان نی مورز: [امنیت یعنی] رهایی نسبی از تهدیدها زیانبخش است (بوزان^۱، ۱۳۷۸، ص ۳۱). بوزان از صاحب نظران مکتب کپنهاک، امنیت را دارای دو بعد عینی و ذهنی می‌داند (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۱). در مفهوم عینی آن فقدان تهدید علیه ارزش‌ها و در مفهوم ذهنی به فقدان احساس ترس از این که چنین ارزش‌هایی مورد حمله قرار خواهد گرفت اشاره دارد (مولر^۲، ۲۰۰۰، ص ۱). بوزان یکی از ابعاد امنیت را امنیت اجتماعی می‌داند. امنیت اجتماعی توانایی جامعه در دفاع از خصوصیات و ویژگی‌های اساسی خود در برابر تغییرها و تهدیدهای واقعی و احتمالی است. امنیت اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که جوامع احساس می‌کنند هویتشان در خطر است (وروستیک^۳، ۲۰۰۲، ص ۲).

امنیت اجتماعی نیز دارای دو بعد عینی و ذهنی است که بعد ذهنی آن به عنوان احساس امنیت شناخته می‌شود.

احساس امنیت پدیده روان‌شناختی - اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط اوضاع و

1. Buzan
2. Moller
3. Vrucetic

محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. بدون شک هرگونه اختلال در احساس امنیت و بروز شرایط نگرانی ناشی از موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و دغدغه‌ساز عینی و ذهنی در جامعه از یک سوء هزینه تعامل‌های اجتماعی را افزایش داده و از سوی دیگر با ایجاد اختلال در اعتماد اجتماعی و بروز بی‌تفاوتی فردی و اجتماعی، انسجام و یگانگی اجتماعی را مورد تهدید قرار می‌دهد.

احساس ناامنی در جامعه، موجب کاهش سطح بهداشت روانی شده و تحقق این ناامنی، سلب اعتماد اجتماعی را پدیدمی‌آورد. در چنین شرایطی، جامعه دچار گسست‌هایی در شبکه روابط اجتماعی می‌شود. در واقع احساس ناامنی باعث به وجود آمدن تنش، اضطراب، بی‌قراری و حتی بیماری‌های روانی خواهد شد. فقدان احساس ناامنی در جامعه باعث می‌شود که افراد از حوزه عمومی کناره‌گیری کرده و زندگی و فعالیت‌های خود را در ترس و انزوا ادامه دهند.

با وجود احساس امنیت، فرد از زندگی در محیط اجتماعی خود هراسان و نگران نبوده و در تعامل با محیط اجتماعی خود از سوی دیگران احساس ایمنی می‌کند. اهمیت بررسی و شناخت ابعاد و زوایای احساس امنیت از این جهت ضرورت دارد که کنشگران در انجام کنش با مراجعه به ذهنیت روان‌شناختی و تاریخی خود به تصمیم‌گیری و انجام کنش اقدام می‌نماید، لذا ارزیابی و احساس آنها از فضای کنش نقش بستری و زمینه‌ساز در این تصمیم‌گیری ایفا می‌نماید، چرا که رابطه بین ساختارهای عینی (امنیت) و صورت‌های ذهنی (احساس امنیت) مبنای تصمیم‌گیری افراد می‌باشد (بیات، ۱۳۸۸، ص ۱۷).

مفهومی این چنین مهم که بستر ساز رشد و توسعه همه جانبه است، اهمیت غیرقابل انکاری در زندگی افراد دارد. در این مطالعه به دنبال شناسایی و بررسی عواملی هستیم که می‌تواند به هر جهت احساس امنیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین می‌توان هدف کلی این تحقیق را این گونه عنوان کرد که عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان شهرستان سلسله کدامند؟



مطالعات پیشین و چارچوب نظری تحقیق

در زمینه احساس امنیت اجتماعی مطالعاتی صورت گرفته است. در این قسمت به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

• نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳ بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه نشینان تهران بزرگ به تفکیک مناطق و بررسی عملکرد نیروی انتظامی از دیدگاه آنان، اقدام به نظرسنجی کرد. نتایج بررسی نشان داد که سن جنس، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و درآمد افراد بر احساس امنیت آنان تأثیرگذار است (معاونت اجتماعی فاتب، ۱۳۸۳)؛

• در تحقیق دیگری که توسط باقر ساروخانی و منیژه نویدنیا در سال ۱۳۸۵ در تهران با عنوان «امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت انجام شد، نتایج تحقیق نشان داد که محل سکونت بر امنیت اجتماعی خانواده اثرات مؤثر و معناداری دارد (ساروخانی، ۱۳۸۵)؛

• فیض‌الله نوری و سارا فولادی سپهر نیز در سال ۱۳۸۸ تحقیقی را با عنوان «بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن» انجام دادند. نتایج تحقیق آنان حاکی از آن بود که متغیرهای احساس امنیت سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم تأثیر مثبت، مستقیم و متغیر پایبندی به مذهبی تأثیر منفی و معکوسی بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارد (نوری و فولادی، ۱۳۸۸).

پس از ذکر چند مورد از تحقیقات انجام شده درباره احساس امنیت اجتماعی، اینک به بررسی چارچوب نظری تحقیق می‌پردازیم.

مفهوم آسیب‌پذیری به عنوان رویکرد نظری، به تعامل بین سه عامل، در قالب گزاره‌های زیر اشاره دارد: انسان‌هایی که احتمال زیادی می‌دهند که در معرض جرم و ناامنی قرار گیرند، فاقد امکان دفاع مؤثر اقدامات حفاظتی و یا امکان فرار باشند و پیش‌بینی کنند که به طور جدی در معرض تهاجم خواهند بود، آسیب‌پذیر خوانده می‌شوند، هر چند که آسیب‌پذیری شامل اجزای فردی، اجتماعی و موقعیتی می‌شود (تامپسون^۱، ۱۹۹۸؛ به نقل از خادمی، ص ۸۷). این چارچوب نظری، عمدتاً ناظر به موقعیت‌های فردی و

اجتماعی همچون جنسیت، سن و موقعیت‌های اقتصادی-اجتماعی است. با توجه به این رویکرد افرادی احساس امنیت اجتماعی نمی‌کنند که چه از لحاظ فردی و چه از لحاظ اجتماعی آسیب پذیر باشند. در این رویکرد می‌توان به نظریه‌های خاصی اشاره کرد.

(۱) نظریه‌های فمینیستی اعتقاد دارند، امنیت بر زنان بیش از مردان تأثیر دارد، به معنای اینکه زنان نسبت به مردان احساس امنیت کمتری دارند؛

(۲) نظریه دورکیم معتقد است در جوامع صنعتی در اثر فردگرایی، زمینه گسیختن همبستگی جمعی فراهم شد و این در عمل آنومی زاست و به این ترتیب فرد دچار بی‌اعتمادی می‌شود و خود را در حالت شکست می‌بیند و همچنین با توجه به نظریه بومان^۱ این فرضیه که فردگرایی باعث کاهش احساس امنیت می‌شود استنباط می‌شود؛

(۳) نظریه کوهن^۲ و مرتن^۳ که هر دو فرض کرده‌اند که اعضاء طبقه پایین بیش از دیگران احتمال دارد که در فعالیت‌های نابهنجار شرکت کنند، چون جامعه نمی‌تواند به آنها کمک کند تا به آرزوهای خود دست یابند و اینکه کوهن می‌گوید شکاف بین اهداف و وسایل به واسطه ناکامی منزلتی موجب کج رفتاری می‌شود. پس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که افراد دارای پایگاه اجتماعی پایین، پشتوانه اجتماعی ندارند و به دلیل نبود این پشتوانه در جامعه احساس امنیت نمی‌کنند و این نبود احساس امنیت باعث ناکامی و بعد از آن کجروی می‌شود (خادمی، ۱۳۸۷، ص ۳۷).

در واقع فرض آسیب‌پذیری بر آن است که افرادی که خود را بیشتر آسیب‌پذیر می‌دانند به مراتب بیشتر از بقیه احساس ناامنی می‌کنند. وار و استافورد^۴ نیز با تأیید این امر بر این عقیده‌اند که هر چند برداشت یک فرد از شدت نتایج یک جرم، عامل بسیار مهمی در احساس ناامنی است. اما مهم‌تر از آن میزان آسیب‌پذیری یک فرد است. احساس آسیب‌پذیری با کاهش کنترل فرد بر اوضاع احساس ناامنی را به دنبال می‌آورد. از نظر آنها معمولاً دو عامل اساسی را در احساس آسیب‌پذیری مؤثر می‌دانند:

1. bomman
2. cohen
3. merton
4. Warr and stafford



(۱) جنسیت: معمولاً احساس آسیب پذیری و به دنبال آن احساس ناامنی در زنان بیشتر از مردان است. این امر به سبب دو عامل اساسی است. اولاً قدرت جسمانی زنان برای دفاع از خود بسیار پایین است. ثانیاً غیر از تهدیدهای بالقوه‌ای که زنان در آنها با مردان مشترکند. آنها از تهدید تجاوز نیز رنج می‌برند. این مفهوم به تبیین این مطلب کمک می‌کند که چرا علی‌رغم اینکه احتمال قربانی شدن زنان در جرم کمتر است، با این همه ترس از جرم در میان آنها بیشتر از مردان است.

(۲) وضعیت اقتصادی: فقرا غالباً از احساس امنیت کمتری نسبت به اقشار بالاتر از خود (به لحاظ اقتصادی) برخوردارند. برای این امر نیز می‌توان علل متعددی برشمرد:

- فقرا به دلیل عدم توانایی مالی نمی‌توانند تدابیر امنیتی لازم را در حفاظت از خود و اموالشان به عمل آورند؛

- فقرا به دلیل وابستگی بسیار به وسایل حمل و نقل عمومی بیش از سایر اقشار در موقعیت‌های مخاطره آمیز قرار می‌گیرند؛
- فقرا غالباً در محلاتی زندگی می‌کنند که میزان جرم آن بالاست؛
- فقرا فاقد شبکه‌های اجتماعی هستند تا از طریق آن بتوانند اثر قربانی شدن خود را کاهش دهد (پانتازیز^۱، ۲۰۰۰، ص ۳).

- در مجموع این چهار عامل با افزایش آسیب پذیری این قشر، احساس ناامنی را نیز در آنها بالا می‌برند (همان). به علاوه، وی با تأکید بر نقش زنان، بیان می‌کند که زنانی که درآمد اندکی دارند بیشتر مجبورند که در تاریکی شب در ایستگاه‌های مترو یا اتوبوس منتظر بمانند و یا این که آنان پول کافی جهت خرید ابزارهای ایمنی حفاظت از خانه شان ندارند. به همین دلیل ترس از جرایم در آنان بیشتر خواهد شد (همان، ص ۴۱۸).

از دیدگاه بوزان^۲ و دیگر اندیشمندان، برخورداری افراد از امکانات جامعه، احساس خشنودی و همبستگی و در نتیجه احساس امنیت را افزایش خواهد داد. به علاوه، باری بوزان و ال ویور در نقد لیبرالیسم بر وجود فاصله طبقاتی بین افراد و جوامع تأکید کرده



که ناامنی اقتصادی از ره آوردهای لیبرالیسم است که هم اصل ناامنی و هم احساس ناامنی را در حیات بشری افزون کرده است (بوزان و ویور، ۱۹۹۸، ص ۲۳). به این ترتیب آنها رابطه مثبت میان پایگاه اجتماعی- اقتصادی و احساس امنیت اجتماعی را بیان می‌دارند (نبوی و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

به طور کلی، همبستگی اجتماعی به عنوان ترتیبات اجتماعی تعریف می‌شود، این که چگونه مردم با ویژگی‌های مختلف و منابع گوناگون می‌توانند به صورت مسالمت آمیزی زندگی کنند. همبستگی اجتماعی به نظام‌های مشارکتی روابط متقابلی اشاره دارد که با همه گروه‌ها هماهنگی دارد. تمرکز در این مفهوم بر این است که چگونه روابط اجتماعی می‌تواند پایه‌هایی باشد برای همکاری‌های اجتماعی. به عبارت دیگر همبستگی اجتماعی بر ظرفیت‌های افراد جهت نزدیک شدن و ارتباط داشتن بر یکدیگر ارتباط دارد (الی، ۲۰۰۹). در نظریات کلاسیک جامعه شناسی درباره همبستگی اجتماعی با دو دیدگاه و چشم انداز اصلی روبه رو هستیم (همان). در یک سمت با دورکیم مواجه می‌شویم که دو نوع همبستگی را از هم متمایز می‌کند یکی همبستگی مکانیکی و دوم، همبستگی اورگانیکی. اولی مبتنی بر شباهت و دومی مبتنی بر تفاوت است. وی به تأثیر همبستگی اجتماعی در نزدیک‌تر کردن افراد به یکدیگر و تشدید ارتباط میان آنها اشاره دارد. به نظر وی هر جا که همبستگی اجتماعی نیرومندتر باشد، این همبستگی عامل نیرومندی در نزدیک کردن افراد به همدیگر خواهد بود و باعث تشدید تماس میان آنها و بیشتر کردن فرصت‌های ارتباط شان به یکدیگر خواهد شد (دورکیم، ۱۳۶۹، صص ۷۶-۷۵).

دورکیم اعتقاد داشت که در عصر حاضر رشد فعالیت‌های اقتصادی، شهرگرایی، تخصص‌گرایی حرفه‌ای و رشد دولت بوروکراتیک تماماً کارکردهای خانواده، مذهب، همسایگی را به عنوان مکانیزم‌هایی در جهت ترفیع پیوند افراد به جمع‌گرایی تقلیل می‌دهد. وی وجود ساخت‌های جدی (گروه‌های حرفه‌ای) را که باید در جهت جلوگیری از نابسامانی‌های اجتماعی ظهور نماید را ضروری می‌داند (آرون، ۱۳۶۴، ص ۳۶۸). وی در اثر خود به نام خودکشی، خودکشی را بر حسب دو متغیر مستقل، یعنی یکپارچگی و



هنجار تشریح و تبیین می‌کند. یکپارچگی و هنجار اگر بیش یا کمی از حد معمول باشند، باعث خودکشی می‌شوند. از این رو بالا بودن میزان یکپارچگی (دگرخواهی)^۱ و پایین بودن میزان یکپارچگی (خودخواهی)^۲ و نیز بالا بودن میزان هنجارها (تقدیرگرایی)^۳ و پایین بودن هنجارها (هنجار گسیختگی)^۴ باعث خودکشی می‌شود (استونز، ۱۳۸۵، صص ۸۱-۸۰).

در دیدگاه دوم که به پویایی‌های همبستگی می‌پردازد، تأثیر روابط نابرابر قدرت بر گروه‌های مختلف است که در کارهای مارکس و نئو مارکسیست‌ها دیده می‌شود. در این دیدگاه، نوع و وضعیت طبقه بر پویایی‌های همبستگی و روابط قدرت بین افراد به شدت تأثیر می‌گذارد. در نتیجه این وضعیت پرسش از این است که آیا همبستگی اجتماعی نابرابری‌های نظام مند را تولید می‌کند یا خیر (کرو^۵، ۲۰۰۲، ص ۲۴).

در ادامه با نظریه‌های جدید همبستگی روبه رو می‌شویم که زیر عنوان سنت کارکردگرایی و با نام پارسونز قرار دارند. پارسونز در مبحث همبستگی اجتماعی به مفهوم نظم در یک جامعه نابرابر می‌پردازد. در این دیدگاه هویت ملی مشترک باید از طریق نمادها و ارزش‌های مشترک به اشتراک گذاشته شود. چشم انداز این دیدگاه به همبستگی در واقع از بالا به پایین است (الی، ۲۰۱۰).

تیلور^۶ نیز در مقاله خود به نتایج به دست آمده توسط گیسون که از تحقیق در سه شهر در امریکا حاصل شده است، اشاره می‌کند. تیلور می‌گوید که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که همبستگی اجتماعی تأثیر مستقیمی بر ترس از جرم دارد. گیسون هدف خود را آشکارسازی روابط موجود بین این متغیر و احساس امنیت اعلام می‌کند. وی معتقد است که فارغ از خصوصیات نظیر سابقه قربانی شدن، بی‌نظمی اجتماعی و خصوصیات جمعیت‌شناسی، همبستگی اجتماعی در بین اهالی یک منطقه می‌تواند با به وجود آوردن

1. altruism
2. egoism
3. fatalism
4. anomic
5. Crow
6. Taylor

اعتماد و کنترل غیررسمی احساس کارایی جمعی را بالا می‌برد و از این طریق در کاهش احساس ناامنی افراد نقش مهمی بر عهده داشته باشد (تیلور، ۲۰۰۲، ص ۲).

از سوی دیگر باید گفت که همبستگی اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است. یکی از خصیصه‌های مهم سرمایه اجتماعی این است که پیوند ارتباطی میان افراد را تقویت می‌کند و پیوندهای متقابل ضمن اینکه موجب ارتقاء همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود. همکاری جمعی، اعتماد اجتماعی بر شرایط گسیختگی اجتماعی فائق می‌آیند. در شرایط همبستگی اجتماعی افراد صاحب هویت می‌شوند و نظام اجتماعی نقطه اتکا مناسبی برای آنها می‌شود در حالی که در شرایط گسستگی اجتماعی جامعه به شکل پراکندگی در می‌آید در جامعه پراکنده شده احساس گم‌گشتگی، اضطراب و اندوه بر انسان‌ها چیره می‌شود (پانتام، ۱۳۸۵، ص ۱۶۴).

از جانب دیگر با وجود سرمایه اجتماعی و فرض وجود آن در بین افراد فراهم کردن شرایط دادوری اعاده‌گر^۱ امکان جذب افرادی که انحراف‌ها ناچیز و اولیه از مقررات اجتماعی داشته‌اند فراهم می‌گردد. هر کجا که میزان مشارکت و پیوندهای اجتماعی کاهش می‌یابد آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی روبه افزایش می‌گذارد (توسلی، ۱۳۸۲، ص ۶۶). مسلم است که یکی از عامل‌های ازدیاد خودکشی طلاق اعتیاد و از هم گسیختگی و فروپاشی خانواده و افزایش جرایم علیه اشخاص بی‌کسی و تنهایی ناشی از رشد نوعی فردگرایی افراطی و دور ماندن از همبستگی‌های درون‌گروهی و ادغام در نهادهای خانواده و اجتماعات محلی است (همان، ص ۶۶).

گرین برگ^۲ و همکارانش نشان دادند که دلبستگی عاطفی به عنوان عنصر اساسی همبستگی اجتماعی، عامل اصلی کنترل منطقه‌ای به شمار می‌رود، چرا که احساس تعلق خاطر به اجتماع باعث می‌شود تا افراد احساس کنند که تحت کنترل اجتماع خود قرار دارند و اجتماع به فکر آنان است (گرین برگ، ۱۹۸۲، ص ۱۲۸).



مری دریافت که ساکنینی که فاقد هر نوع پیوند و یا ارتباط اجتماعی بودند، ترس بیشتری از جرایم داشتند (مری^۱، ۱۹۸۱، ص ۳).

فیشر^۲ نیز نشان داد که بی‌اعتمادی بین همسایگان و بین هم محله‌ای‌ها باعث می‌شود آنان ارتباطات کم تری داشته باشند. فقدان ارتباطات و فضای بی‌اعتمادی باعث می‌شود تا ساکنان نسبت به دنیای بیرون از خود ترس و واگمه نشان دهند (فیشر، ۱۹۸۲، ص ۷۰).
پروس اشنایر^۳ تئوری خود را اغلب در چارچوب روان‌شناسی اجتماعی و با تأکید بر نقش پلیس ارائه می‌کند. او نیز نظیر بوزان نقشی دوگانه برای پلیس قایل است:

۱- عامل امنیت

۲- منبع ناامنی

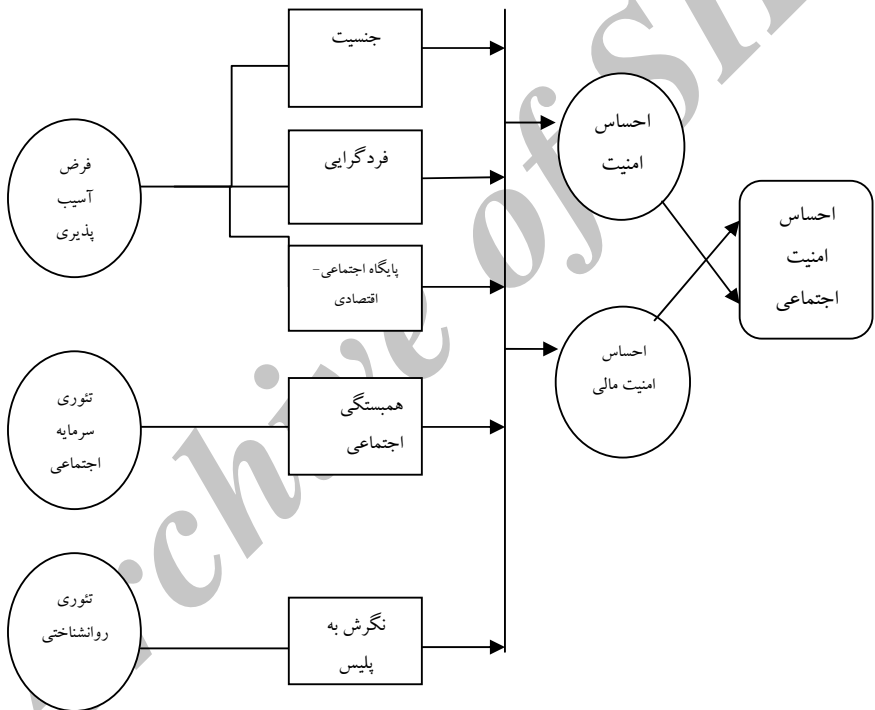
نقش اول که در واقع نقش آشکار پلیس در بسیاری از کشورهاست، چندان مورد توجه اشنایر نیست. در واقع وی با اشاره به این دوگانگی نقشی، پلیس را همیشه نه در نقش تأمین‌کننده امنیت، بلکه در بسیاری از کشورها آن را بازوی اجرایی دولت فاسد می‌داند. البته این ناامنی ناشی از پلیس، وجه دیگری نیز می‌تواند به خود بگیرد و آن شیوع فساد مالی گسترده در داخل این ارگان است که در این صورت پلیس خود به جای مبارزه با بزهکاران، به حمایت از آنان بر می‌خیزد. اشنایر این وضعیت را اغلب ناشی از عدم کفایت منابع مادی در دسترس پلیس می‌داند. کشورهایی نظیر روسیه و آمریکای جنوبی بهترین مثال برای این گونه پلیس می‌باشند. در این گونه کشورها بالتبع مردم باید یاد بگیرند که نه تنها از پلیس انتظار تأمین‌کننده امنیت را نداشته باشند، بلکه باید در مقابل پلیس از خود دفاع کنند (همان؛ به نقل از باباخانی، ۸۹).

از نظر آلرخت هاتر کنترل اجتماعی به اشکال متفاوتی همچون تلقی ساکنان از مسئولیت‌پذیری پلیس، مشروعیت پلیس و عدالت رویه‌ای، اثربخشی و رضامندی از پلیس مفهوم سازی شده است (روزنباوم^۴ و دیگران، ۲۰۰۵). باکس و دیگران (۱۹۹۸) دریافتند،

1. Merry
2. Fischer
3. Schneier
4. Rosenbaum

آنهايي که به اثربخشي پليس در مقابله با جرم و دستگيري اطمینان دارند، کمتر از جرم می‌ترسند (هاوانگک^۱، ۲۰۰۶، ص ۸۷).

هادون^۲ (۲۰۰۳) نیز دریافت، هنگامی که مردم پليس را در کنترل جرم و ناامنی، ناکارآمد تلقی می‌کنند، ترس آنها از جرم بیشتر می‌شود. شاید در دیگران (۲۰۰۳) نیز با استفاده از سنجه کلی رضایت شهروندان از خدمات پليس به رابطه منفی بین رضایت از پليس و ترس از جرم پی بردند (ربانی و همتی، ۱۳۸۷).



نمودار ۱. مدل تحلیلی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

۱- به نظر می‌رسد هرچه فردگرایی کمتر باشد، احساس امنیت اجتماعی افراد بیشتر

می‌باشد؛



۲- به نظر می‌رسد پایگاه اجتماعی بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر دارد؛

۳- به نظر می‌رسد با افزایش همبستگی اجتماعی، احساس امنیت اجتماعی نیز افزایش

پیدا می‌کند؛

۴- به نظر با افزایش اعتماد و اعتقاد به پلیس، احساس امنیت اجتماعی نیز بیشتر

می‌شود؛

۵- به نظر می‌رسد جنسیت بر احساس امنیت اجتماعی تأثیر دارد.

روش شناسی

روش این تحقیق پیمایشی است. در این تحقیق از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه افراد ۱۸ تا ۳۰ سال شهرستان سلسله تشکیل می‌دهد که براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ به تعداد ۱۹۴۳۲ نفر می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه برابر با ۳۷۶ نفر تعیین گردید که به ۳۸۰ نفر ارتقاء داده شد. شیوه نمونه‌گیری این پژوهش، از نوع نمونه‌گیری تصادفی است. محقق پس از تکمیل پرسشنامه، تمام اطلاعات را در رایانه ثبت کرده و با استفاده از نرم افزار spss به تحلیل آنها پرداخت. برای سنجش قابلیت اعتماد یا پایایی ابزار تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ اکثر شاخص‌ها تقریباً بالای ۷۰ درصد بوده که حاکی از مناسب بودن داده‌ها می‌باشد.

تعریف نظری تحقیق

متغیرهای مستقل

- جنسیت: تفاوت‌های جسمی و روحی بین زن و مرد را جنسیت می‌گویند.
- پایگاه اجتماعی: وضعی است که یک شخص یا گروه در یک نظام اجتماعی در برابر دیگران می‌یابد. پایگاه اجتماعی تعیین‌کننده حقوق، وظایف انسان‌ها و گروه‌های

اجتماعی است. پایگاه را پایه‌هایی است چون آموزش، ثروت، درآمد، خانواده و... هر جامعه به هریک و یا چند مورد از این معیارها تأکید می‌کند (ساروخانی و نویدنیا، ۱۳۷۰).

• **فردگرایی:** عبارت است از: جدایی فرد از دیگران و عدم تعهد نسبت به آنان، به گونه‌ای که فرد همه چیز را فدای خویش نموده و با قایل شدن محرومیت تام و مطلق برای خود بر آن است تا در همه چیز نفع شخصی خود را جست و جو کند (خادمی، همان، ص ۵۳).

• **همبستگی اجتماعی:** پیوند متقابل بین چند نفر یا چند گروه که از آگاهی و اراده برخوردار باشند و شامل پیوندهای انسانی و برادری بین انسان‌ها به‌طور کلی و حتی وابستگی متقابل حیات و منافع آنها باشد... به زبان جامعه شناختی همبستگی اجتماعی پدیده‌ای را می‌رساند که بر پایه آن در سطح یک گروه یا یک جامعه، اعضا به یکدیگر وابسته‌اند و به‌طور متقابل نیازمند یکدیگر (همان).

• **نگرش به پلیس:** عبارت است از نحوه قضاوت افراد و میزان اعتقاد و اعتماد شهروندان به پلیس و کارایی آن.

متغیر وابسته

• **احساس امنیت اجتماعی:** عبارت است از نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت بخش، قانع‌کننده، آرامش بخش) شهروندان نسبت به عدم تأثیرگذاری حضور و بروز رویدادها و وقایع ضد امنیتی (تهدیدها) در شرایط فعلی و آتی در حوزه‌های امنیت اجتماعی (خادمی، همان).

• **احساس امنیت مالی:** زمانی که فرد می‌داند که مال او از تعرض مصون و در امان است (همان).

• **احساس امنیت جانی:** زمانی که جان افراد از هرگونه تعرض و تهدید در امان است (همان).



تعریف عملیاتی متغیرها

جدول ۱. تعریف عملیاتی متغیرها

R	متغیر	تعریف عملیاتی	درصد
			ضریب روایی
۱	فردگرایی	توجه افراد به خود- عدم تعهد به افراد-عدم توجه به نظرات دیگران-توجه به منافع شخصی- بی توجهی به منافع دیگران	۷۲
۲	پایگاه اجتماعی	تحصیلات پدر- تحصیلات مادر- منزلت شغلی پدر- منزلت شغلی مادر- درآمد خانواده	-
	همبستگی اجتماعی	میزان ارتباط با دیگران- کمک به دیگران در هنگام مشکلات- مشارکت در فعالیت های گروهی- داشتن تعهد نسبت به دیگران- گوش کردن به نصایح دیگران-نگه داشتن احترام افراد بزرگتر	۸۱
۳			
۴	نگرش به پلیس	دقت پلیس در دستگیری سارقان و متهمان- سرعت عمل پلیس در انجام موارد ضروری- جواب گویی درست به نیازها و سؤال های مردم- اعتماد به پلیس	۷۷
۵	احساس امنیت جانی	تنها ماندن در منزل در طول شبانه روز- عبور از خیابان های تاریک در شب- دوستی با افراد غریبه	۸۱
۶	احساس امنیت مالی	خالی گذاشتن منزل در طول شبانه روز- شرکت در فعالیت های اقتصادی- حمل پول زیاد-پارک کردن خودرو در خیابان	۸۵

نتایج تحقیق

الف) یافته های توصیفی

براساس داده های به دست آمده بیشتر پاسخگویان در رده سنی ۲۴ سال قرار دارند. کمترین فراوانی پاسخگویان مربوط به رده سنی ۱۸-۱۹ سال می باشد. از ۳۸۰ نفر مورد مطالعه ۲۰۰ نفر مرد و ۱۸۰ نفر زن هستند. صد درصد افراد مورد مطالعه باسوادند. سی و پنج درصد از آنها تا پایان دیپلم و ۱۵ درصد دارای مدرک فوق دیپلم بودند. چهل و یک درصد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و ۹ درصد نیز دارای مدرک بالاتر از کارشناسی بودند. از لحاظ وضعیت اشتغال، ۱۷ درصد از پاسخگویان شاغلند. از لحاظ وضعیت تأهل، ۱۸ درصد از پاسخگویان متأهل و بقیه مجردند، ضمن اینکه این سؤال دارای پنج درصد داده مفقوده بوده است.



جدول ۲. نتایج آمار توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
امنیت مالی	۳۴۲	۴۵/۴۰	۲۱/۳۱
امنیت جانی	۳۵۳	۳۸/۴۵	۱۷/۷۳
فردگرایی	۳۶۰	۵۳/۸۴	۱۹/۶۷
نگرش به پلیس	۳۲۵	۴۱/۳۴	۱۹/۲۲
همبستگی اجتماعی	۳۷۴	۶۳/۷۵	۱۰/۱۲
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	۳۳۸	۴۰/۶۵	۵/۸۱

همان گونه که در جدول بالا پیداست احساس امنیت چندان بالایی را در بین افراد جوان شهر ملاحظه نمی‌کنیم. احساس امنیت مالی پنج درصد کمتر از حد میانگین بوده که وضعیت تقریباً چندان مطلوبی را به نمایش نمی‌گذارد. این مقدار برای احساس امنیت جانی بسیار ضعیف‌تر و نگران‌کننده‌تر می‌نماید. احساس امنیت جانی که در واقع در مطالعات امنیتی رهیافتی قدرت و دولت محور است درصدی به مراتب بسیار پایین‌تر از حد متوسط را نشان می‌دهد. وضعیت امنیت جانی بسیار نامطلوب است.

ب) یافته‌های استنباطی

نتایج تحلیل دو متغیره تحقیق

جدول ۳. آزمون همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

مستقل و وابسته	همبستگی اجتماعی	فردگرایی	پایگاه اقتصادی - اجتماعی	نگرش به پلیس
R	۰/۵۳	-۰/۰۵۴	۰/۱۳	۰/۴۱۰
احساس امنیت اجتماعی				
Sig	۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۱۱	۰/۰۲۴

جدول بالا به بررسی همبستگی بین متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق می‌پردازد. چنان که این جدول نشان می‌دهد، از بین متغیرهای تحقیق تنها متغیر همبستگی اجتماعی و نگرش به پلیس معنادار می‌باشند. بالاترین میزان همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته



مربوط به همبستگی اجتماعی است. از آنجایی که این رابطه مثبت می‌باشد نشان می‌دهد که هرچه میزان همبستگی اجتماعی بیشتر باشد، احساس امنیت اجتماعی نیز بالاتر خواهد رفت. کمترین میزان همبستگی نیز مربوط به متغیر فردگرایی است که البته دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی نیست. رابطه منفی این متغیر بیان می‌کند که دارای رابطه‌ای معکوس با احساس امنیت است که نشانگر تأیید پشتوانه نظری تحقیق است. یعنی هرچه فردگرایی کمتر باشد، احساس امنیت بالاتر خواهد رفت یا به عبارتی دیگر با افزایش میزان فردگرایی، میزان احساس امنیت اجتماعی کاهش خواهد یافت. متغیر دیگری که دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی است، متغیر نگرش به پلیس است. مثبت بودن ضریب پیرسون ($R = 0/410$) آن نشان از رابطه مستقیم با متغیر وابسته تحقیق است. با افزایش اعتماد مردم به پلیس و بالا رفتن کارایی آنها احساس امنیت مردم نیز بالا می‌رود. متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی نیز دارای رابطه‌ای معنادار با متغیر وابسته نبود.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین احساس امنیت اجتماعی پاسخگو بر حسب جنس

متغیر	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معنی داری
دختر	۱۸۰	۱۰/۵۱۲	۲/۲۵۱		
پسر	۲۰۰	۱۲/۲۶۲	۲/۷۴۰	۸/۷۵	۰/۰۲۱

جدول بالا نشان می‌دهد که بین میانگین احساس امنیت اجتماعی پاسخگویان بر حسب جنس تفاوت معنی داری وجود دارد ($\text{Sig} = 0/021$)، به این معنا که زنان بیش از مردان می‌ترسند و از احساس امنیت کمتری برخوردارند.

ج) نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

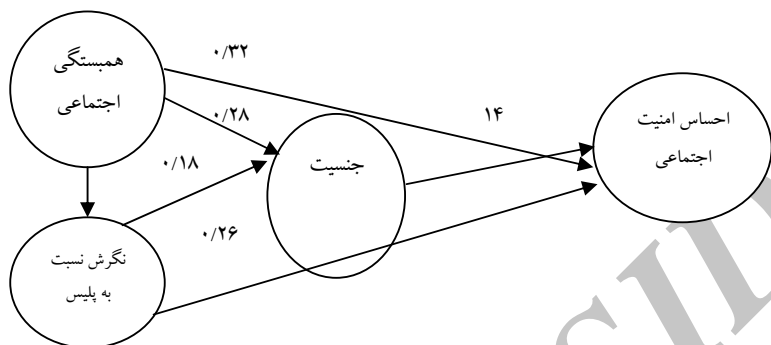
در جدول زیر نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره را بررسی کرده‌ایم. در واقع از تحلیل رگرسیون در جهت بررسی تأثیر مستقیم متغیرهای مستقل تحقیق بر متغیر وابسته استفاده شده بنابراین در تحلیل رگرسیون به دنبال تعیین اثر خالص هر متغیر مستقل بر روی متغیر وابسته می‌باشیم. برای انجام تحلیل رگرسیون روش‌های مختلفی وجود دارد که در این تحقیق از روش ایتز استفاده شده است و چنان که می‌بینیم، تمام متغیرها به طور همزمان

وارد تحلیل می‌شوند. اعداد داخل جدول نشان می‌دهد که تنها متغیرهای نگرش به پلیس و همبستگی اجتماعی و جنسیت دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی هستند و سایر متغیرها دارای رابطه معنادار نمی‌باشند. ضریب تعیین جدول نشانگر این امر است که مدل تحقیق حدود ۳۶ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند و ۶۴ درصد باقیمانده را باید با استفاده از سایر متغیرهای خارج از مدل تحقیق تبیین نمود. اکنون می‌توان برای دانستن اثرات مستقیم و غیرمستقیم، متغیرهایی را که وارد معادله رگرسیونی شده‌اند و تأثیرشان معنادار بوده است را وارد مدل تحلیل مسیر زیر کرد.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره

ردیف	متغیر	R	R ²	B	Beta	T	Sig
۱	جنسیت	۰/۲۴۵	۰/۰۶	۰/۱۱۴	۰/۲۱	۰/۴۱	۰/۰۳۱
۲	فردگرایی	-۰/۱۲۸	۰/۰۱	-۰/۴۵	-۰/۱۲	-۰/۰۳۲	۰/۱۰
۳	پایگاه اجتماعی- اقتصادی	۰/۱۶۴	۰/۰۲	۰/۱۳۷	۰/۱۸	۰/۱۷۳	۰/۱۵
۴	همبستگی اجتماعی	۰/۴۵۰	۰/۲۰	۰/۷۱۱	۰/۴۷	۶/۷	۰/۰۰۱
۵	نگرش به پلیس	۰/۳۸۴	۰/۱۵	۰/۵۲۱	۰/۳۵	۵/۳	۰/۰۲۱

نمودار ۲، مدل نهایی تحلیل مسیر را نشان می‌دهد. در این مدل متغیرهای مستقلی که در رگرسیون چند متغیره معنادار بوده‌اند، وارد شده‌اند. همان‌گونه که در مدل تحلیل مسیر مشاهده می‌شود، همبستگی اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۳۲ اولین تبیین کننده احساس امنیت اجتماعی است که با تأثیر بر جنسیت با ضریب مسیر ۰/۲۸ و تأثیر بر نگرش به پلیس با ضریب مسیر ۰/۱۸، به طور غیرمستقیم نیز بر احساس امنیت تأثیر دارد. پس از همبستگی اجتماعی، متغیر نگرش به پلیس با ضریب مسیر ۰/۲۶ به طور مستقیم و تأثیر بر جنسیت با ضریب مسیر ۰/۱۸ بطور غیرمستقیم بر احساس امنیت تأثیرگذار است. متغیر جنسیت آخرین متغیری است که با ضریب مسیر ۰/۱۴ بر احساس امنیت مؤثر است. در مجموع نتایج تحلیل مسیر رابطه متغیرهای مستقل با احساس امنیت با انتظارات نظری ما سازگاری دارد و بسیاری از فرضیات تحقیق را تأیید می‌کند.



نمودار ۲. مدل تحلیل مسیر مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی

نتیجه گیری و پیشنهادها

امنیت اجتماعی از سازه‌های بسیار پیچیده‌ای است که علی‌رغم تعاریف بسیار، اجماع چندانی درباره تعریف آن وجود ندارد. مفهومی به این مهمی می‌تواند تأثیرات بسیار عمیقی بر حیات اجتماعی و اقتصادی افراد آن داشته باشد. در این تحقیق به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی جوانان شهرستان سلسله بودیم. سه دسته نظریه را به صورت مختصر در این تحقیق بررسی کردیم. همان‌گونه که نتایج تحقیق نشان داد میزان احساس امنیت مالی جامعه نمونه در حدود ۴۵/۴۰ درصد و میزان امنیت جانی در حدود ۳۸ درصد می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت که احساس امنیت اجتماعی در جامعه آماری متوسط به پایین بوده است. اگر به میانگین متغیر نگرش به پلیس نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که این نگرش پایین‌تر از حد متوسط است. رهیافت قدرت محور یا دولت محور که ریشه در اندیشه‌های هابزی دارد، بیشتر به مصون ماندن جان و مال افراد از تعرض می‌نگرد. این رهیافت با متغیر نگرش به پلیس بسیار همبسته بوده و در یک طیف قرار می‌گیرند. پس به نظر می‌رسد شاید افراد جوان مورد بررسی میزان نظارت پلیس و عملکرد این یگان حافظ امنیت را در برخورد با افراد دارای ظاهر نامناسب که یکی از منابع تولید ناامنی جانی است مناسب نمی‌دانند، چرا که این متغیر نیز درصد بسیار کمی را به خود اختصاص داده است

(پایین تر از حد متوسط) و گمان می‌رود با توجه به رهیافت بالا و توجه به کارایی پلیس و بالا بردن اعتقاد و اعتماد به این سازمان می‌توان احساس امنیت جانی و مالی را بالا برد.

در قسمت یافته‌های استنباطی دیدیم که متغیرهای همبستگی اجتماعی و نگرش به پلیس و جنسیت دارای رابطه معنادار و مثبتی با احساس امنیت اجتماعی هستند به عبارت دیگر با افزایش همبستگی اجتماعی و اعتماد به پلیس و کارایی آن، احساس امنیت نیز بیشتر خواهد شد. نتایج تحقیق چارچوب نظری تحقیق را تأیید می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰ و تایلر، ۲۰۰۲). همبستگی اجتماعی در بین اهالی یک منطقه می‌تواند با به وجود آوردن اعتماد و کنترل غیررسمی، احساس کارایی جمعی را بالا برده و از این طریق در کاهش ناامنی افراد نقش مهمی بر عهده داشته باشد. همبستگی اجتماعی پیوند ارتباطی میان افراد را تقویت می‌کند و پیوندهای متقابل ضمن اینکه موجب ارتقاء همکاری و همبستگی میان اعضای جامعه می‌شود. همکاری جمعی، اعتماد اجتماعی بر شرایط گسیختگی اجتماعی فائق می‌آیند در شرایط همبستگی اجتماعی افراد صاحب هویت می‌شوند و نظام اجتماعی نقطه اتکا مناسبی برای آنها می‌شود در حالی که در شرایط گسیختگی اجتماعی جامعه به شکل پراکندگی در می‌آید در جامعه پراکنده شده احساس گم‌گشتگی، اضطراب و اندوه بر انسان‌ها چیره می‌شود.

از سوی دیگر تأیید شد که بین جنسیت و احساس امنیت اجتماعی نیز رابطه معناداری وجود دارد. نتایج تحقیق نشان داد که احساس امنیت مردان بیش از زنان است. نتایج همبستگی دو متغیره اثرات خالص و مستقیم هر متغیر را نشان نمی‌دهد و صرفاً به داشتن رابطه اکتفا می‌نماید، از این رو از تحلیل رگرسیون چند متغیر استفاده کردیم. نتایج حاکی از آن بود که تنها سه متغیر همبستگی اجتماعی، نگرش پلیس و جنسیت دارای رابطه معناداری با احساس امنیت اجتماعی می‌باشند. نتایج حاصل از تحلیل مسیر نیز نشان داد که همبستگی اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۳۲ اولین تبیین‌کننده احساس امنیت اجتماعی است که با تأثیر بر جنسیت با ضریب مسیر ۰/۲۸ و تأثیر بر نگرش به پلیس با ضریب مسیر ۰/۱۸، به طور غیرمستقیم نیز بر احساس امنیت تأثیر دارد.



مقایسه نتایج این تحقیق با تحقیقی که توسط رسول ربانی و رضا همتی در شهر زنجان با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر ترس از جرم شهروندان زنجانی انجام گرفته است نشان می‌دهد که در هر دو تحقیق نگرش به پلیس دارای رابطه معناداری با احساس امنیت می‌باشد. در تحقیق دیگری که توسط مظلوم خراسانی و عطاء اسمعیلی انجام گرفته است نیز رابطه معنادار بین نگرش و عملکرد پلیس و احساس امنیت را تأیید شده است.

علی دلاور در تحقیقی که به بررسی احساس امنیت در شهر تهران، یزد و کل کشور پرداخته است، به این نتیجه رسیده که جنسیت با احساس امنیت رابطه معناداری دارد که با نتایج تحقیق ما نیز همخوانی دارد. در هر دو تحقیق می‌بینیم که زنان بیش از مردان می‌ترسند.

علی خادمی در پایان نامه کارشناسی ارشد خود در دانشگاه تهران نیز در تحقیق خود که به بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت جوانان شهر تهران پرداخته است، رابطه معنادار احساس امنیت و فردگری را تأیید نموده که در واقع با یافته‌های ما مشابه است. نتیجه هر دو تحقیق حاکی از آن است که هرچه فردگرایی بیشتر شود احساس ناامنی بیشتر خواهد شد. چندین نکته در این تحقیق به چشم می‌خورد که اشاره به آنها می‌تواند پیشنهادها را درخوری را متوجه خوانندگان مسئولان امر نماید:

- به نظر می‌رسد با توجه به بالا بودن همبستگی اجتماعی و رابطه معنادار این متغیر با احساس امنیت اجتماعی، یکی از متغیرهای قوی تأمین‌کننده احساس امنیت در منطقه همین متغیر باشد. متغیر همبستگی اجتماعی در بطن جامعه و در بین مردم و ارتباطات بین آنها نهفته است که وجود شرایط طایفه‌ای در منطقه تأمین‌کننده این همبستگی است. همبستگی اجتماعی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بوده و سرمایه اجتماعی بیشتر ارتباطات بین افراد، تعاملات، مشارکت‌ها و هنجارهای اجتماعی و انسجام را مدنظر دارد. اما وجود همین سرمایه اجتماعی درون گروهی قوی در صورت وجود شرایط عکس، یعنی بالا گرفتن و تشنج سرمایه اجتماعی بین گروهی خود می‌تواند، عاملی مهم در تشدید تعارضات در منطقه باشد که در نهایت منجر به بالا رفتن میزان ناامنی افراد خواهد شد. از این رو پلیس با

شناسایی منابع همبستگی اجتماعی به آسانی می‌تواند از این سرمایه اجتماعی بهره برده و در حل معضلات اجتماعی منطقه و جلوگیری از بغرنج شدن امنیت منطقه از آن استفاده کند.

پیشنهادها

- پلیس باید با تعامل فراوان با شهروندان و استفاده از سرمایه اجتماعی ضمن بالا بردن اعتماد نهادی و برقراری رابطه با مردم علی‌الخصوص جوانان، به بالا بردن احساس امنیت جانی و مالی منطقه کمک نماید؛
- پلیس باید در ارائه مطالب و اخبار با حسن نیت و شفاف سازی کامل مشکلات تعاملی بین این دستگاه دولتی و جوانان را کاهش دهد و نگرش آنها را نسبت به خود عوض کند؛
- پلیس باید با برخورد قاطع با اوباش و برهم زندگان نظم و امنیت مردم، در ارتقاء امنیت اجتماعی ذهنی و عینی تلاش نماید؛
- پلیس می‌تواند در راستای افزایش احساس امنیت اجتماعی مردم و جوانان از ریش سفیدان طوایف مختلف استفاده کرده و از آن به عنوان بازوی کارآمد و عامل تعاملات بین مردم استفاده کند.

منابع فارسی

- آرون، ریمون. (۱۳۶۴). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، ترجمه باقر پرهام، انتشارات علمی و فرهنگی.
- استونز، راب. (۱۳۸۵). *متفکران بزرگ جامعه شناسی*، ترجمه مهرداد میر دامادی، چاپ سوم، تهران: نشر مرکز.
- افشار، زین العابدین. (۱۳۸۵). *امنیت اجتماعی زنان در شهر تهران*، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- باباخانی، فرهاد. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در دو سطح خرد و کلان*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۱۲ جدید، بهار ۸۹.



بوزان، باری. (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، پژوهشکده مطالعات رهبردی، انتشارات مطالعات راهبردی.

بیات، بهرام. (۱۳۸۸). احساس امنیت اجتماعی، نشر امیر کبیر، چاپ اول.

پاتنام، رابرت. (۱۳۸۵). جامعه برخوردار سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز، حسین پویان، تهران: نشر شیرازه. صص ۹۱-۱۱۲.

توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۲). مشارکت اجتماعی، انتشارات دانشگاه تهران.

خادمی، علی. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی (مطالعه تجربی جوانان شهر تهران)، پایانامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.

دورکیم، امیل. (۱۳۶۹). درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران: کتاب‌سرای بابل. ربانی خوراسگانی، رسول، همتی، رضا. (۱۳۸۷). مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). روش تحقیق در علوم اجتماعی، چاپ هشتم، تهران: جلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ساروخانی، باقر و میزوه نویدنیا. (۱۳۸۵). امنیت اجتماعی خانواده و محل سکونت در تهران، رفاه اجتماعی، ۶، (۲۲).

صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۷۵). حاشیه‌نشینان و امنیت، مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور، جلد دوم، تهران، ص ۱۱۵. معاونت اجتماعی ارشاد فاتب. (۱۳۸۳). گزارش نظرسنجی بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین حاشیه‌نشینان تهران بزرگ به تفکیک مناطق.

نبوی، عبدالحسین و حسین زاده، حسین؛ حسینی، هاجر. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم.

نوروزی، فیض‌الله و سارا فولادی سپهر. (۱۳۸۸). بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان ۲۹-

۱۵ ساله شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، راهبرد، ۱۸ (۵۳).



منابع لاتین

- Benjamin Goold, Ian Loader and Angelica Thumala(2010), *Consuming security? Tools for a sociology of security consumption*, sagepublications.
- Buzan, Barry; Wearver, Ole (1998). "Liberalism and security: the contradictions of the liberal leviathan" Copenhagen peace research institute (COPRI) Working papers.
- Crow G (2002) *Social Solidarities: Theories, Identities and Social Change*. Buckingham: Open University Press.
- Ellie Vasta(2009), *The controllability of difference: Social cohesion and the new politics of solidarity* sage publication.
- Fischer, Claude. (1982), *To Dwell among Friends*, Chicago, University of Chicago.
- Greenberg, Stephanie; Rone, W. & Williams, L. (1982), *Safety in Urban Neighborhoods, Population and Environments* .5.
- Hawang. E, G(2006)" A multilevel test of fear of crime: the effect of social condition perceived community policing activities and perceived risk of victimization in a megapolis".
- Hawdon, j. E, Ryan, j & Griffin, s, p (2003) " policing tactics and perception of police legitimacy" *police quarterly*, 6, 4.
- Loader, Ian and Neil Walker (2007) *Civilizing Security*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Merry, Sally. (1981), *Urban Danger. Life in a Neighborhood of Strangers*, Philadelphia, Temp) & University
- Moller, Bjorn, (2000) *National, Societal and Human Security Discussion – case study of the Israel – Palestine conflict*.
- Rosenbaum, D, p et al(2005), " Attitudes toward the police: the effects of direct and vicarious experience" . *police quarterly*, s, 343.
- Schneier,Bruce(2003) *Beyond fear; Thinking sensibly about security in uncertain world*, Coenicus Books, United States.
- Taylor, Ralph(2002) *exchange fear of crime. Social ties , and collective efficacy. Maybe masquerading measurement; temple university, justice*.
- Vrucetic, Srdjan,(2002) *traditional versus Societal Security and the Role of securitization*, free university of Berlin and York university.Australian center for political research.
- Wilson-Doenges, G. (2000). An Exploration of sense of community and fear of crime in gated communities. *Environment and Behavior*, 32, 597.
- Waldron, Jeremy (2007) 'Safety and Security', *Nebraska Law Review* 85: 301–54.
- Zedner, Lucia (2009) *Security*. London: Routledge.